

روش‌های تصاحب و تملک اراضی

مؤسسه فلاحت در فراغت، و شرکت‌های مشابه، برای تملک و تفکیک و فروش اراضی به صورت باغ‌شهر، روش‌های معینی دارند. در بخشی از اراضی، که فاقد متصرف و مدعی محلی است، این اقدام به سادگی از طریق پیوند با مدیران دولتی انجام می‌گیرد. معهذاً، بخش مهمی از اراضی مورد ادعای منابع طبیعی، که از نظر قوانین جاری متعلق به دولت شناخته می‌شود، یا به صورت مرتع بوده و دارای عشایر و دامداران ذیحق است، و یا به صورت دیم‌کار زراعی در تصرف مردم محلی است.

در مورد مراتع عشایر کار آسان است و در موارد فراوان، بدون جلب رضایت ایشان، با اعمال قدرت تصرف و تخریب می‌شود. مراتع طایفه قره‌غانلوی قشقایی (اسکان یافته در روستای قلعه چوبی) و سایر دامداران ساکن در روستاهای ایوژ و کدنج، واقع در شمال دشت سیاخ و حاشیه جنوبی کوه سبزپوشان شیراز (کوه قبله)، که به فلاحت سیاخ بدل شد، و مراتع طوایف شش‌گانه سُرخ، واقع در جنوب دشت سیاخ و حاشیه شمالی کوه دلو، که هم‌اکنون شرکت احرار فارس با همان روش‌ها در حال تصرف و تخریب آن است، از این‌گونه است.

در مورد اراضی دیم‌کار مورد تعارض مردم و اداره منابع طبیعی، که میزان آن در فارس بسیار زیاد است، کار کمی دشوار می‌شود؛ زیرا در بسیاری موارد سبق کشت دیم قدیم بوده و به ده‌ها سال می‌رسد، و در برخی موارد متصرفان مدعی مالکیت اراضی فوق بوده و دارای اسناد و مدارکی هستند که دعوی ایشان با اداره منابع طبیعی را به محکمه حقوقی می‌کشاند. معمولاً، قضات، اگر سبق طولانی کشت به اثبات رسد، رأی به سود مردم و علیه اداره منابع طبیعی صادر می‌کنند.

معهذاً، به دلیل ادعای مالکیت اداره منابع طبیعی بر این‌گونه اراضی، که در سه سال اخیر با اجرای ماده ۱۳ سند بسیاری از آن‌ها به نام دولت صادر شده،^{۱۱۲} و ناتوانی متصرفین

۱۱۲. با اجرای ماده ۱۳ مراحل مالکیت دولت بر اراضی مورد دعوی کامل شده و سند تفکیکی ثبتی به نام دولت صادر می‌شود. در غیر این صورت اراضی هر پلاک میان مالکین و دولت مشاع محسوب می‌شود. مقررات جاری، واگذاری اراضی بدون اجرای مقررات ماده ۱۳ و صدور سند به نام دولت را ممنوع اعلام کرده است. در بهمن ۱۳۸۳ در جلسه‌ای در دفتر استاندار وقت، با حضور ایشان و معاون وقت حفاظت اراضی اداره کل منابع طبیعی، بر عدم اجرای ماده ۱۳ در پلاک دارنگان تأکید کردم. معاون فوق گفت: اگر قرار باشد ماده ۱۳ ملاک واگذاری باشد، تاکنون در

برای شکایت به محاکم حقوقی و اخذ رأی به سود خود، که مستلزم پرداخت حق الوکاله خارج از وسیع آنان است، متصرفین «مالک» محسوب نمی‌شوند و این امر قیمت اراضی آنان را به شدت کاهش می‌دهد. بسیاری از اراضی با ارزش واقع در حومه شیراز یا نقاط بیلاقی فارس چنین وضعی دارند.

در این‌گونه موارد، شرکت‌های فوق اراضی را به ثمن بخش از مردم با دریافت وکالت‌نامه محضری از ایشان می‌خرند و به تصرف خود در می‌آورند. (در تنظیم وکالت‌نامه نیاز به استعلام از مراجع ذیربط دولتی، ادارات منابع طبیعی و امور اراضی، نیست.) یک نمونه اراضی منطقه دشمن‌زیاری است و نمونه دیگر اراضی از نظر مالی ارزشمند حاشیه شهرک گلستان که هکتاری دو سه میلیون تومان خریداری شد. چنان‌که گفتم، این اراضی به دلیل کاربری دیم‌کاری و فقدان آب و سند ثبتی کم‌ارزش است. در مرحله بعد، در حالی که هنوز سند ثبتی و تغییر کاربری اراضی دریافت نشده، به‌طور غیرقانونی به حفر چاه و تأمین آب دست زده و اراضی را با احداث جاده و غرس درخت در آن به قطعات کوچک تفکیک کرده و به عنوان «باغ‌شهر»، به قیمتی بسیار بیش از قیمت خریداری شده، می‌فروشند.

در برخی موارد، به دلیل بحرانی بودن وضع بسترهای آب زیرزمینی، منطقه محل اراضی از نظر صدور مجوز پروانه حفاری چاه «ممنوعه» شناخته می‌شود یا، در صورت غیرممنوعه بودن، با حفر چاه کشاورزی (چاه عمیق یا نیمه عمیق) دستیابی به آب ممکن نیست (مانند اراضی دالین). در این‌گونه موارد، تحت عنوان تأمین آب آشامیدنی مردم، مجوز حفر چاه آهکی دریافت می‌شود. پروانه حفر چاه آهکی مختص تأمین آب آشامیدنی است. ولی این آب، برخلاف نص صریح قانون، برای درخت‌کاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک نمونه، اراضی فلاحت سیاخ است که چاه‌های آن با مجوز شرب اخذ شد. در دشت سیاخ

←

هیچ یک از پلاک‌های فارس ماده ۱۳ اجرا نشده ولی واگذاری انجام گرفته. من پاسخ دادم: در کلیه این موارد غیرقانونی عمل کرده‌اید ولی در مورد من نمی‌توانید قانون شکنی کنید. در جلسات بعد با مقامات استان نیز مکرراً بر غیرقانونی بودن عملکردشان به دلیل عدم اجرای ماده ۱۳ تأکید کردم. این امر سبب شد که از سال ۱۳۸۴ اداره کل منابع طبیعی به سرعت به اجرای ماده ۱۳ در بسیاری از پلاک‌های ثبتی فارس و دریافت سند به نام دولت اقدام کند. این امر مانع از ادامه دعوی در محاکم حقوقی یا دیوان عدالت اداری نیست، که در صورت اثبات حقانیت مالکین به ابطال سند دولت در پلاک مورد دعوی می‌انجامد.

پروانه چاه برای مصارف کشاورزی صادر نمی‌شود و هم‌اکنون امتیاز یک پروانه چاه به تنهایی، بدون چاه، حدود یکصد میلیون تومان ارزش دارد. دریافت مجوز چاه توسط مؤسسه فلاحت یا افراد خاص به عنوان شرب، در شرایطی که به کشاورزان نیازمند پروانه چاه برای مصارف کشاورزی داده نمی‌شود، نارضایتی شدید مردم را برانگیخته است. کاهش شدید آب چشمه بزرگ پیربناب (پیربنو)^{۱۱۳} که از دیدنی‌های حومه شیراز بود، در حاشیه شمالی کوه سبزویشان (۱۵ کیلومتری جنوب شیراز) و کاهش شدید بستر آب زیرزمینی دشت سیاخ ناشی از حفر این چاه‌های آهکی در «فلاحت» سیاخ (حاشیه جنوبی کوه سبزویشان) است.

پس از اقدامات فوق، با اعمال نفوذ در ادارات منابع طبیعی و امور اراضی خواستار واگذاری این اراضی به «فلاحت»، و شرکت‌های مشابه، می‌شدند. در موارد فراوان، این واگذاری، گاه با دستور مستقیم وزیر یا توصیه مقامات ذینفوذ، انجام می‌گرفت. در مواردی نیز تاکنون واگذاری انجام نگرفته و تصرفات مؤسسه «فلاحت»، به‌رغم گذشت سال‌ها، هنوز غیرقانونی است (مانند ۴۰ هکتار از اراضی پروژه ملوسجان).

پس از دریافت واگذاری در قالب طرح طوبی یا واگذاری اداره امور اراضی، به‌رغم منع قانونی صریح مندرج در قرارداد این‌گونه واگذاری‌ها، که تفکیک و فروش را ممنوع و موجب ابطال واگذاری می‌داند و تعهد واگذاری گیرنده در التزام به این امر، سند دریافت شده و به خریداران قطعات کوچک انتقال می‌یافت. دریافت سند گاه، در موارد معدود، با دستور مستقیم وزیر (مانند دستور مورخ ۱۳۷۵/۷/۸ وزیر وقت به مدیرکل وقت منابع طبیعی فارس) و گاه از طریق مقامات استان انجام می‌گرفت.

۱۱۳. این مکان به دلیل چشمه فوق و آرامگاه عارفی به‌نام شیخ عبدالله اقطع به «پیربناب» شهرت یافته که در گویش مردم به «پیونو» تبدیل شده. امامقلی خان، حاکم فارس در زمان شاه عباس اول صفوی، در این مکان باغی زیبا احداث نمود که بقایای چنارهای آن باقی است. محمدعلی خان ایلخانی قشقایی (متوفی ۱۲۶۸ ق.)، پسر جانی خان اولین ایلخانی قشقایی، بقعه شیخ اقطع را مرمت و طبق وصیتش در همین مکان دفن شد. بعدها، حاج نصرالله خان، ایلخانی قشقایی، این آرامگاه را مرمت کرد. بنای آرامگاه فوق هم‌اکنون مخروبه است.

در ماجرای قیام سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۴۲ کوهمره سُرخ، پدرم، با هدف تصرف شهر شیراز، چند روز در پیربنو مستقر شد و جنگی بزرگ میان عشایر و ارتش رخ داد که به «جنگ پیربنو» معروف است. بنگرید به: همین کتاب، ص ۸۰۰.



اهالی طایفه قره غانلوی ساکن قلعه چویی (محل فلاحت سیاخ)
حرکت برای آوردن آب آشامیدنی به خانه



در حالی که این مردم فاقد آب آشامیدنی هستند،
مؤسسه فلاحت با حفر ده‌ها حلقه چاه آهکی (ویژه تأمین آب آشامیدنی)
باغچه‌ها و ویلاهای خود را آب می‌دهد.





شماره :
تاریخ :
پیوست :



وزارت جهاد کشاورزی
سازمان جهاد کشاورزی
استان فارس

ص: ۱۸۱۸

مشاوره و خدمات حقوقی امور زمین

سلام باد

ت در مورد زمین «سیاح» با توجه به معضله که روز به روز تشدید شده بوده حرکت تکمیلی
در قیمت را مطلوب رد بابت برگه اخصاص گسترده زمین ها فله ای نموده

رضوی کریم
۱۸/۱۸/۱۸

۸

منابع ارضی

شیراز - بلوار آزادی - نبش خیابان ارم تلفن : ۲۳۰۶۰۰۰

دستور سید کریم رضوی، رئیس سازمان جهاد کشاورزی فارس
دال بر اعطای حداکثر تخفیف در قیمت اراضی دولتی انتقال یافته به مؤسسه فلاح

مسئله دیگر، پرداخت قیمت اراضی به دولت بود که در صورت کارشناسی صحیح ارقام کلانی را در برمی گرفت. در اینجا نیز از نفوذ سیاسی بهره گرفته می شد. بنگرید به دستور مورخ ۱۳۸۱/۸/۱۸ سید کریم رضوی، رئیس سازمان جهاد کشاورزی فارس، دال بر اعطای «حداکثر تخفیف در قیمت زمین» در اراضی «فلاحت» سیاخ.^{۱۱۴}

اقبالی، مسعودی و تصاحب رایگان اراضی

عباسعلی اقبالی و علیرضا مسعودی از روش خاصی برای تصرف رایگان اراضی استفاده می کردند:

اقبالی اراضی را در قبال چند چک می خرید. مبلغ چک اول به فروشنده (متصرف زمین) پرداخت می شد. پس از تصرف کامل زمین، زمانی که موعد چک دوم فرا می رسید چک وصول نمی شد. فروشنده مراجعه می کرد و سرهنگ اقبالی با تحکم او را مورد عتاب قرار می داد که اراضی فروخته شده منابع ملی و متعلق به دولت است و تحت عنوان «فروش مال غیر» علیه تو شکایت خواهم کرد. فروشندگان، که عموماً زارعین تهیدست روستایی یا عشایر دامدار بودند، وحشت می کردند و از حق خود دست می کشیدند. علیرضا مسعودی در اراضی دالین (جاده شیراز- سپیدان) رویه ارزان تری در پیش گرفت: او با مردم قرارداد منعقد و امضای آن ها را اخذ کرد. طبق این قراردادها، مسعودی متعهد شد که اراضی را به «باغ شهر» تبدیل کند و به هر یک از متصرفین چند قطعه باغ بدهد. او پس از انعقاد قرارداد، ۶۰ هکتار اراضی دالین را به باغات تبدیل و پس از تفکیک به قطعات کوچک فروخت. زمانی که مردم برای دریافت سهم خود مراجعه کردند آنان را راند و اعلام کرد که اراضی به دولت تعلق داشته و به عنوان کلاه برداری و فروش مال غیر علیه شما شکایت خواهم کرد. به این ترتیب، مسعودی بدون پرداخت دیناری پول به مردم، یعنی متصرفین قدیمی و دارای حقوق و نسق در اراضی فوق، مبالغ فراوانی به دست آورد. در پی این ماجرا، اداره منابع طبیعی علیه مسعودی شکایت کرد و وی به اتهام تخریب احضار شد. وی در دادگاه اظهار داشت: اراضی فوق را زارعین به من فروخته اند و آن ها باید محاکمه شوند!

بخشی از اراضی مسعودی در جنگل های بلوط منطقه دشمن زیاری واقع است که به

دلیل پوشش گیاهی درخت بلوط واگذاری آن اکیداً ممنوع می‌باشد. از اینرو، مسعودی طرحی به نام «شهر سلامت» ارائه داد و قصد داشت در این قالب جدید واگذاری جنگل‌های بلوط فوق را اخذ کند.

مساحت اراضی تصرف شده توسط مسعودی در دو پلاک هرایجان و ده بید بیش از ۲۱۲ هکتار است. طبق نامه مورخ ۲۰ آبان ۱۳۸۶ اداره منابع طبیعی شهرستان سپیدان به اداره کل منابع طبیعی فارس (شماره ۷۷۷۳) تمامی ۱۲۸ هکتار اراضی خریداری شده توسط مسعودی در پلاک هرایجان ملی و دارای پوشش جنگلی (بلوط) است و طبق نقشه پیوست همان نامه ۸۴ هکتار و یکهزار متر از اراضی خریداری شده مسعودی در پلاک ده بید نیز منابع ملی و بخش مهمی از آن جنگل‌های متراکم و بکر است. اداره منابع طبیعی نه تنها مسعودی را به اتهام «خرید و فروش مال غیر» (اموال دولتی) تحت پیگرد قانونی قرار نمی‌دهد، بلکه با جدیت درخواست وی را پیگیری کرده و مقدمات واگذاری این جنگل‌ها را به او، تحت عنوان «دهکده توریستی و شهر سلامت»، فراهم می‌آورد. گفته می‌شود سید کریم رضوی، رئیس سازمان جهاد کشاورزی، نیز حامی مسعودی در این طرح بود. بنگرید به نامه‌های شماره ۲۳۲۵ / ۱۲۱ مورخ ۲۶ مهر ۱۳۸۶ و ۱۲۱ / ۲۴۰۳ مورخ ۵ آبان ۱۳۸۶ علیرضا مسعودی، مدیرعامل شرکت بناسازان رمضان، به مهرزاد خرد، مدیرکل منابع طبیعی استان فارس. در نامه اول به «مذاکرات حضوری ۲۶ مهر ۱۳۸۶» عطف شده. به عبارت دیگر، طرفین به توافق شفاهی رسیده‌اند. سرعت عمل در ارسال نامه به اداره منابع طبیعی سپیدان و دریافت پاسخ نیز حائز اهمیت است.

در ۳ دی ۱۳۸۶، که به عنوان عضو هیئت برگزارکننده کنگره بزرگداشت مرحوم آیت‌الله سید نورالدین حسینی شیرازی به تهران رفتیم، با حضور مسعودی مواجه شدم. او کوشید با من روابط گرم ایجاد کند به‌ویژه پس از این که عنایت خاص رهبری به من را مشاهده کرد. (معظم‌له در سخنان‌شان به من اشاره کردند و فرمودند: «آقای شهبازی در این جمع هستند. ایشان استاد تاریخ‌اند و این مسائل را خوب می‌دانند.» این نخستین بار نبود که در دیدارهای جمعی یا فردی مورد عنایت رهبری قرار می‌گرفتم.) مسعودی به من گفت: «هفته گذشته سیصد هکتار زمین از خرد [مدیرکل منابع طبیعی فارس] گرفتم.» کنجکاو بودم بدانم این اراضی کجاست.

اکنون، با دست یافتن به برخی اسناد، که تعدادی از آن‌ها در صفحات بعد منتشر می‌شود، برایم روشن شد که منظور مسعودی اراضی دالین و هرایجان و ده بید سپیدان بود که جمعاً حدود ۳۰۰ هکتار است. بنابراین، در اواخر آذر ۱۳۸۶ توافق بر سر انتقال اسناد این اراضی به مسعودی به اتمام رسیده بود که اکنون، به دلیل فشار نیروهای هوادار ارزش‌های انقلاب، به باد

رفته است! این فشارها توافق شیرمردی، مدیرکل اوقاف فارس، و خرد، مدیرکل منابع طبیعی فارس، برای چپاول هزاران هکتار مرتع را نیز به باد داد. در فصل «مافیای زمین و آینده اراضی موقوفه» در این باره توضیح بیش‌تر خواهیم داد.

هم‌اکنون، مسعودی در حال خرید اراضی پهناور منطقه باجگاه تا شهر جدید صدر است. او، در اینجا نیز، به دلیل سلب حقوق مالکیت مردم توسط اداره منابع طبیعی، همان روش خرید ارزان (به ثمن بخش) را در پیش گرفته است. در دی ۱۳۸۶ مسعودی این اراضی را از متصرفین هکتاری ۱۲۰ الی ۲۰۰ هزار تومان خریداری می‌کرد. او، اگر وضع فارس به روال گذشته دوام یابد، طبق رویه سابق معضل سند ثبتی این اراضی را، بهر طریق، حل خواهد کرد و به دلیل اقتدارش قبل از دریافت اسناد قانونی به تفکیک و فروش یا احداث ویلا در اراضی فوق خواهد پرداخت. این اراضی پس از تصرف توسط مسعودی، متری پنجاه الی یکصد هزار تومان فروخته خواهد شد. (هر هکتار ده هزار مترمربع است.) اگر میزان اراضی را که تاکنون مسعودی، به روش فوق، تصرف کرده در اختیار داشتیم، می‌توانستیم ثروت عظیمی را که از این طریق عاید او خواهد شد تخمین زنیم. این بخشی از همان مراتع متعلق به عشایر طوایف بیات و دارغه کورش قشقایی و سایر دامداران محلی است که، چنان‌که گفتیم، در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۳ با تهاجم لودرهای سردار نجفی نابود شد. این سرنوشتی است که در سال ۱۳۷۵ گریبان طایفه قره غانلو و سایر دامداران سیاخی و سُرخ‌ی ساکن در روستاهای شمالی دشت سیاخ را گرفت، در سال ۱۳۸۳ چند طایفه قشقایی و دامداران محلی را در دشت باجگاه به فلاکت کشید و اکنون نوبت به طوایف سُرخ‌ی و سقلمه‌چی، در جنوب دشت سیاخ، رسیده است.

در قاموس بشری واژه‌ای به نام «شرم» وجود دارد ولی آیا همگان آن را می‌شناسند؟ از دیدگاه سازمان جنگل‌ها و مراتع، در فارس هیچ کس «زمین‌خوار» نیست به جز فردی به‌نام عبدالله شهبازی، که فرسوده از دو دهه کار سنگین پژوهشی و تقدیم وزین‌ترین کتاب‌ها و تحقیقات به این آب و خاک، اینک با چپاول اراضی دارای سند ثبتی موروثی از پدرش توسط شرکت فارس مبین و سایر گردانندگان ریاکار و ارزش‌فروش شبکه قدرتمند «مافیای زمین‌خوار شیراز» و کارگزاران و دلالان فرومایه و آزمند، دزد و وقیح، و بی‌فرهنگ آن‌ها مواجه شده. در پاسخ به نامه مدیرکل روابط عمومی سازمان جنگل‌ها و مراتع باز به این مسئله خواهیم پرداخت.

شماره: ۱۳۱.۲۴۰۳ پیوست: تاریخ: ۸۶.۸.۵	به نام خدا  شماره ثبت: ۱۳۷۶
<p style="text-align: center;">مدیر کل محترم منابع طبیعی استان فارس جناب آقای مهندس خرد سلام علیکم</p> <p>احتراماً؛ پیرو نامه شماره ۱۳۱/۲۳۲۵ مورخ ۸۶/۷/۲۶ منضم به اسناد مالکیت حدود ۲۱۰ هکتار از اراضی پلاکهای (۵۰) هرایجان و (۲) ده بید واقع در محور سپیدان، ضمن ارسال یک نسخه از قرارداد مهندسی مشاور شهر و خانه در خصوص مطالعه مقدماتی نیمه تفصیلی و تفصیلی طرح دهکده توریستی و شهر سلامت و هزینه هایی که در رابطه با خرید امتیاز و هزینه حفر - تجهیز و لوله گذاری چاه - هزینه های نگهداری - نگهداری - هزینه های حقوقی و کاشت درخت و آبیاری اولیه توسط این شرکت پرداخت گردیده، و با عنایت به اهداف و برنامه های آن اداره کل در جهت حفاظت از مناطق جنگلی و اجرای طرحهای گردشگری و شهر سلامت در خارج از این منطقه، خواهشمند است دستور فرمائید نسبت به تعیین محلهای پیشنهادی و نحوه واگذاری اراضی جایگزین اقدام لازم به عمل آورند. ضمناً کلیه نقشه های پلاک ۵۰ و پلاک ۲ هرایجان به آن مدیریت محترم جهت تعیین برآوردهای نهایی ارسال میگردد.</p> <p style="text-align: center;">  مدیر عامل علیر مسعودی  شماره ثبت: ۱۴۶۷۶ </p>	
شیراز - بلوار جمهوری اسلامی - عرفان - ۷۰ - پلاک ۲۲۵ تلفن: ۲۲۹۵۹۱۲ - دورنگار: ۲۳۷۰۰۹۵	

نامه دوّم مسعودی به خرد برای دریافت واگذاری جنگل های دشمن زیاری

شماره: ۷۷۷۳
تاریخ: ۸/۲۰
پیوست:



وزارت جهاد کشاورزی
سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور
اداره کل منابع طبیعی استان فارس
اداره منابع طبیعی شهرستان سپیدان

باسمه تعالی

تلفن ۰۹۶۹۶ امداد جنگل و مرتع فوریتی، رایگان و شبانه روزی

از: اداره منابع طبیعی سپیدان

به: اداره کل منابع طبیعی استان فارس

موضوع: اراضی شرکت بناسازان رمضان

باسلام،

احتراماً بازگشت به نامه های شماره ۵۴۴۰۱-۸۶/۸/۱۶ و ۸۶/۷/۲۶-۱۲۱/۲۳۲۵ و پیرو نامه شماره ۷۲۲۱-۸۶/۷/۲۵ نقشه تفکیکی اراضی ملی و مستثنیات خریداری شده توسط موسسه بناسازان رمضان در پلاک ۲ بخش ۶ فارس مشهور به دهبید برای استحضار و اقدامات مقتضی ارسال میگردد و بعرض میرساند کل اراضی خریداری شده بمیزان ۱۲۸ هکتار در پلاک ۵۰ بخش ۶ فارس مشهور به هرایجان ملی با پوشش جنگلی میباشد خواهشمند است نتیجه را برای هرگونه اقدام به این اداره اعلام دارید. /

نصرا... محمدزری
رئیس اداره منابع طبیعی سپیدان

۸۶/۸/۲۰

رونوشت:

-بانهضام تصویر نقشه به مدیر عامل محترم شرکت بناسازان رمضان بازگشت
به نامه شماره ۱۲۱/۲۳۲۵-۸۶/۷/۲۶ جهت استحضار و پیگیری لازم.

نامه اداره منابع طبیعی شهرستان سپیدان درباره وضع اراضی مورد درخواست مسعودی

اراضی واگذار شده به مؤسسه فلاحت در فراغت

مؤسسه فلاحت در فراغت تاکنون اراضی دولتی شده زیر را به صورت واگذاری دریافت کرده است:

ملوسجان: (شهرستان سپیدان، پلاک ۱/ ۹۷۹ بخش ثبتی ۶) ۲/ ۱۰۹ هکتار (نوع واگذاری: طرح طوبی)

ملوسجان: (شهرستان سپیدان، پلاک‌های ۴ و ۳/ ۹۷۹ بخش ثبتی ۶) ۵/ ۱۲۴ هکتار (نوع واگذاری: مجوز وزیر. این اراضی به مؤسسه اقتصادی سازمان تبلیغات اسلامی واگذار شد که به مؤسسه فلاحت انتقال یافته است.)

ملوسجان: (شهرستان سپیدان، پلاک ۱/ ۹۹۶ بخش ثبتی ۶) ۳/ ۲۳ هکتار (نوع واگذاری: مجوز وزیر. این اراضی به مؤسسه اقتصادی سازمان تبلیغات اسلامی واگذار شد که به مؤسسه فلاحت انتقال یافته است.)

قلعه چوبی: (بخش مرکزی شیراز، پلاک ۵۶ بخش ثبتی ۲۳) ۸/ ۱۲۲۰ هکتار (نوع واگذاری: طرح طوبی)

کدنچ: (بخش مرکزی شیراز، پلاک ۵۷ بخش ثبتی ۲۳) ۶/ ۲۱۰ هکتار (نوع واگذاری: طرح طوبی)

ایور: (بخش مرکزی شیراز، پلاک ۶۷ بخش ثبتی ۲۳) ۷۵۵/ ۵۹ هکتار (نوع واگذاری: امور اراضی)

تنگ سعدی: (شهرستان شیراز، پلاک ۴/ ۹۲۵ بخش ثبتی ۳) ۱۵۳۵/ ۴۲۶ هکتار (نوع واگذاری: امور اراضی)

دشت کوه سعدی: (شهرستان شیراز) ۲۰۰ هکتار (نوع واگذاری: امور اراضی)

دریمه: (شهرستان شیراز، پلاک ۳۲۸۶ بخش ثبتی ۳) ۹/ ۲۰۱ هکتار (نوع واگذاری: امور اراضی)

میان رود: (محدوده شهر شیراز) ۸۰ هکتار.^{۱۱۵}

۱۱۵. نیمی از اراضی میان رود به همراه مجوز مسکونی به فروش رفته است. با اعضای تعاونی مسکن ادارات منابع طبیعی، آموزش و پرورش و دو تعاونی دیگر قرارداد منعقد شده بود که به هر نفر یک قطعه ۵۰۰ متری به صورت باغ‌شهر داده شود. در پی توافق با سازمان مسکن و شهرسازی به هر سه نفر یک قطعه ۵۰۰ متری مشاع با مجوز ساخت سه طبقه داده شد. این امر مورد اعتراض اعضای تعاونی‌ها قرار گرفت و برخی از آن‌ها تاکنون از گرفتن قطعات خود خودداری کرده‌اند.

مؤسسه فلاحت قطعات پراکنده دیگری نیز دریافت کرده و برخی اراضی را از مالکین دارای سند خریداری کرده، ولی واگذاری‌های اصلی آن موارد فوق است. طبق فهرست فوق، کل اراضی دولتی واگذار شده به مؤسسه فلاحت در فراغت حدود ۲۶۵۶ هکتار است.

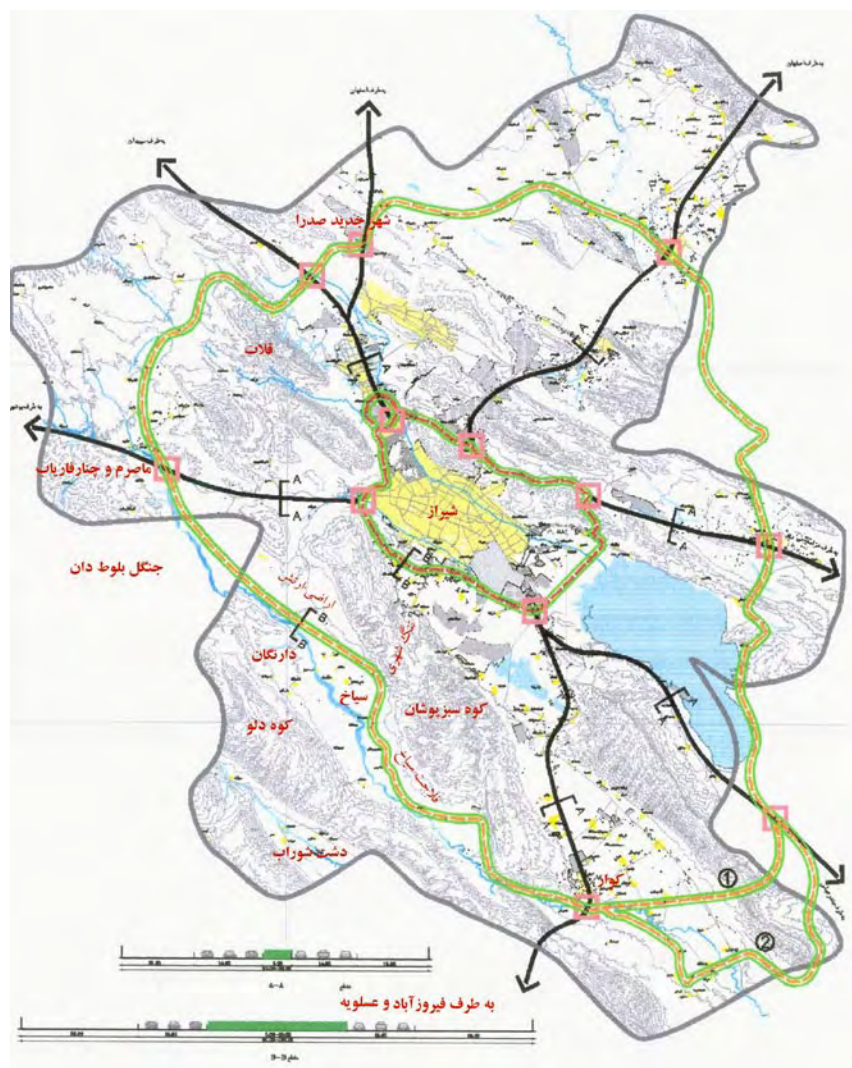
توضیح یک: در کلیه موارد فوق متصرفات مؤسسه فلاحت بسیار بیش از میزان رسمی اراضی واگذار شده است. در صورت نقشه‌برداری توسط یک هیئت ذیصلاح این ادعا به سادگی قابل اثبات است. برای نمونه، متصرفات فلاحت در سیاخ بیش از دو هزار هکتار، به روایتی ۲۹۰۰ هکتار و به روایت دیگر بیش از ۳۰۰۰ هکتار، است در حالی که طبق فهرست فوق در سه پلاک قلعه چوبی و کدنج و ایور (که شامل فلاحت سیاخ می‌شود) تنها ۱۴۹۱/۱۵۵ هکتار به فلاحت واگذار شده است.

توضیح دو: واگذاری‌های فوق اکثراً به صورت اولیه قبل از سال ۱۳۷۸ انجام گرفت یعنی در زمانی که مدیران کل منابع طبیعی و امور اراضی عضو هیئت مدیره مؤسسه فلاحت بودند.

«فلاحت سیاخ» و اهمیت آن

مؤسسه فلاحت از سال ۱۳۷۶ احداث «فلاحت سیاخ» را در اراضی مرتعی حاشیه جنوبی کوه سبزپوشان، واقع در جنوب دشت شیراز و شمال دشت سیاخ، آغاز کرد که گسترش آن تاکنون ادامه دارد. این اراضی از تنگ شهری، در مجاورت اراضی ارتش، آغاز می‌شود و در انتهای کوه سبزپوشان پایان می‌یابد. «فلاحت سیاخ»، به عنوان بزرگ‌ترین طرح مؤسسه فلاحت، سراسر حاشیه جنوبی کوه سبزپوشان را در بر می‌گیرد.

طبق طرح توسعه شهر شیراز، بزرگ‌راه رینگ مجموعه شهری شیراز از شهر جدید صدرا به کودیان و سپس به پل رودخانه قره‌آقاج امتداد یافته و در حاشیه شمالی رودخانه فوق، از مسیر اراضی خان خویس و ارتش، به تنگ شهری وصل شده و در امتداد جاده موجود «فلاحت» به شهر کوار خواهد رفت.



مسیر اتوبان کمربندی رینگ مجموعه شهری شیراز
این نقشه منطقه سیاخ- دارنگان و تصرف مراتع عشایر و اراضی مالکین این منطقه
را در دستور کار مافیای زمین خوار شیراز قرار داده است.



دشت سیاخ و
موقعیت آن
در جنوب
شیراز
محل فعالیت
شرکت‌های
مختلف
مشخص شده
است.

فاز دوم اتوبان استراتژیک عسلویه- شیراز،^{۱۱۶} که فیروزآباد را به شیراز وصل می‌کند، از نظر منطقی (اگر شرکت‌های پیمانکاری و عوامل ایشان در دستگاه‌های ذیربط دولتی، که در پی هر چه پرهزینه‌تر کردن پیمان جاده‌ها و از این طریق کسب سود بیش‌تر هستند، اجازه دهند)، باید از مسیر فیروزآباد- خواجه‌ای- شوراب- سیاخ- تنگ شهری به شیراز متصل شود؛ زیرا بخش اعظم مسیر بزرگراه فیروزآباد- شیراز در این مناطق کاملاً مسطح و دشت است و مسیر فوق پنج کیلومتر کوتاه‌تر از جاده آسفالته کنونی فیروزآباد- کوار- شیراز می‌باشد. به این ترتیب، با حذف مسیر طولانی کوهستانی تنگ‌آب فیروزآباد، ده‌ها میلیارد تومان در هزینه صرفه‌جویی خواهد شد.

تحولات فوق، قیمت زمین را در منطقه سیاخ- دارنگان به شدت افزایش خواهد داد. به این دلیل، تصاحب هزاران هکتار اراضی سیاخ (توسط فلاحت) و دارنگان (توسط فارس مین و عوامل محلی آن) و موقوفه بدیجان (توسط شرکت احرار فارس) مورد توجه جدی کانون‌های فوق قرار گرفته و به این دلیل سلب حقوق ورثه مرحوم شهبازی و سایر مالکان دارنگان، چنان‌که شرح خواهیم داد، و تصرف مراتع عشایر سُرخ‌ی در کوهپایه دلو، و تصرف مراتع مردم سیاخ و قره‌غانلوها در کوهپایه سبزپوشان، را در دستور کار ایشان قرار داده است.

هم‌اکنون، «فلاحت سیاخ» در دو فاز و یک فاز زیتون به‌طور کامل اجرا شده و قطعات آن به فروش رفته و فاز سه در مرحله اجرا و فروش است:
 فاز یک فلاحت سیاخ دارای ۱۲۰۰ باغچه ۲۸۰۰ متری است. هر قطعه شامل ۹۸ اصله درخت گردو، بادام و هلو است. مساحت باغات این فاز ۳۳۶ هکتار و کل مساحت آن ۴۵۰ هکتار تخمین زده می‌شود. فاصله فاز یک با شهر شیراز ۲۶ کیلومتر است.
 فاز دو دارای ۲۵۰۰ قطعه باغچه ۲۸۰۰ متری است. هر قطعه دارای ۹۸ اصله درخت گردو و بادام و هلو در مواردی زیتون است. مساحت باغات این فاز ۷۰۰ هکتار و کل مساحت آن حدود یک‌هزار هکتار تخمین زده می‌شود. فاز دو ۸ کیلومتر پس از ابتدای فاز یک در امتداد جاده سیاخ- کوار آغاز می‌شود و فاصله آن با شیراز ۳۴ کیلومتر است.

۱۱۶. فاز یک اتوبان عسلویه- شیراز، در محور عسلویه- جم- فیروزآباد، به طول ۱۷۰ کیلومتر و با هزینه نهایی ۱۲۰ میلیارد تومان، در ۱۸ دی ۱۳۸۶ توسط دکتر احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور، افتتاح شد. مطالعات و نظارت این پروژه را شرکت مهندسی مشاور فرادید به عهده داشت.

در این دو فاز، بسیاری از خریداران، بسته به سلیقه و وسع مالی، به احداث دیوار و ساختمان در قطعات خود دست زده‌اند. این ابنیه فاقد طراحی و نظارت علمی از سوی مؤسسه فلاح‌ت بوده و به این دلیل، چنان‌که در تصاویر پیداست، مجموعه فوق را بدمنظر و نازیبا کرده است. سند مالکیت تفکیکی بسیاری از خریداران به آنان انتقال یافته است. فاز زیتون دارای ۱۳۰ قطعه ۲۸۰۰ متری است که در آن فقط نهال زیتون غرس شده. مساحت باغات ۳۶/۴ هکتار و مساحت کل آن حدود ۴۰ هکتار است. این فاز در ۷ کیلومتری شروع فاز یک و در جنب مجموعه گلخانه‌های فلاح‌ت واقع شده است. فاز سه در مرحله اجرا و تفکیک به قطعات ۲۸۰۰ متری است. مساحت کل این فاز حدود ۶۰۰ هکتار است. این فاز ۹ کیلومتر پس از شروع فاز دو آغاز می‌شود و فاصله ابتدای آن با شهر شیراز ۴۲ کیلومتر است.

فازهای چهارگانه فلاح‌ت سیاخ، طبق صورت فوق، حدود ۲۰۹۰ هکتار زمین را در بر می‌گیرد؛ ولی در واقع میزان تصرفات آن، اعم از اراضی اجرا شده و اراضی که هنوز تفکیک و قطعه‌بندی نشده، به ادعای شوراهای محلی سیاخ بیش از ۳۰۰۰ هکتار است. این در حالی است که ادارات منابع طبیعی و امور اراضی تنها ۱۴۹۱ هکتار در سه پلاک ایور، کدنج و قلعه چوبی به فلاح‌ت سیاخ واگذار کرده‌اند.^{۱۱۷}

مازاد این میزان، هر مقدار که باشد، تصرفات غیرقانونی است؛ هر چند، به دلایلی که شرح خواهم داد، واگذاری همان ۱۴۹۱ هکتار نیز برخلاف مقررات جاری نظام جمهوری اسلامی است. طبق فتوای امام (ره) و مقام معظم رهبری، هر اقدام مغایر با قوانین حکومت اسلامی «غیر شرعی» نیز تلقی می‌شود.

مؤسسه فلاح‌ت تاکنون هیچ هزینه‌ای صرف ترمیم و تعریض جاده سیاخ-کوار، که فلاح‌ت سیاخ در حاشیه شمالی آن واقع شده، نکرده و به این دلیل فاز سه، به دلیل دوری و خرابی جاده، با استقبال خریداران مواجه نشده است. در نتیجه، نبی‌زاده و رستمی طرحی ارائه دادند که با احداث جاده در دره مشرف بر فاز سه، موسوم به «تنگ سه چاه»، فلاح‌ت سیاخ را به ظفرآباد قره باغ، در حومه شرقی شیراز، و از این طریق به شهر شیراز

وصل کنند. به این منظور از صاحبان هر یک از قطعات مبلغ ۵۰۰ هزار تومان و جمعاً رقمی حدود دو میلیارد تومان جمع‌آوری شد.

این طرح غیرعقلانی و ناکارآمد است. من در همان زمان نادرستی آن را متذکر شدم ولی مورد توجه قرار نگرفت. منطقه قره‌باغ، و مسیر جنوب شرقی حومه شیراز، منطقه‌ای است از نظر بافت اجتماعی نابسامان و فاقد امنیت در شب. در نتیجه، صاحبان باغات فلاحت سیاخ، به خاطر چند کیلومتر نزدیک‌تر شدن مسیر، جاده خطرناک فوق را انتخاب نخواهند کرد و ریسک عبور از دره‌ای عظیم و خلوت در منطقه‌ای ناامن را نخواهند پذیرفت. آنان ترجیح خواهند داد از جاده قدیمی استفاده کنند که هم پر تردد و کاملاً امن و شش کیلومتر آن (در مسیر جاده اصلی شیراز- کازرون) بزرگ‌راه است و هم از منطقه آباد و از نظر بافت اجتماعی سامان‌مند و زیبای شهر شیراز می‌گذرد.

مؤسسه فلاحت می‌توانست با پول گردآوری شده از مردم آن بخش از جاده سیاخ- کوار را که فلاحت سیاخ در حاشیه شمالی آن واقع شده ترمیم و تعریض و زیباسازی کند و به این طریق اقبال مردم را به قطعات فاز سه جلب نماید. ولی، در واقع، هدف نبی‌زاده و رستمی از طرح جاده در دست احداث فوق جمع‌آوری پول و صرف هزینه بود تا در این میان مبالغی حساب‌سازی و پایمال شود.

جاده سیاخ- کوار را، که اکنون مورد استفاده فلاحت سیاخ و روستاهای قلعه چوبی است، مانند تمامی جاده‌های دیگر کوهمره سُرخ و سیاخ، از جمله جاده اصلی شیراز- سیاخ- کوهمره سُرخ، پدرم به ابتکار و با هزینه شخصی خود احداث کرد. این جاده به منظور انتقال محصول چغندر مزرعه بدیجان (موقوفه حسین‌آباد) به کارخانه قند کوار در سال‌های ۱۳۳۹-۱۳۴۰ ساخته شد و پس از اتمام آن طی مراسم ویژه‌ای میرعزیز ملجائی، اولین رئیس کارخانه قند کوار (کارخانه قند پارس کنونی)، از پدرم تجلیل کرد و به عنوان قدردانی، علاوه بر تقدیرنامه کتبی، خروسی طلایی به وی اهدا نمود. این تقدیرنامه و جایزه در جریان اشغال قلعه پدرم در دارنگان توسط ارتش، در جریان قیام ۱۳۴۱-۱۳۴۲ عشایر کوهمره سُرخ، مانند سایر وسائل، به سرقت رفت. مهندس ملجائی تا چندی پیش زنده و ساکن تهران بود.

در نیمه سال ۱۳۷۳ که دوست قدیمی‌ام آقای محمد حسین گلریز خاتمی فرماندار شیراز شد (و تا نیمه ۱۳۷۶ در این سمت بود)، با خواهش من و همت و علاقه او و حمایت خالصانه آقای جلیل بشارتی، رئیس شایسته و توانمند دفتر امور مناطق محروم ریاست‌جمهوری،

محرومیت زدایی از منطقه آغاز شد. گلریز بشارتی را به روستاهای آبسرد و مله گاله، در ارتفاعات جنگلی کوه دلو، برد^{۱۱۸} و با دریافت اعتبار هفتصد میلیون تومانی، که در آن زمان مبلغ قابل توجهی بود، جاده‌های شیراز- سیاخ، سیاخ- کوار، سیاخ- شوراب آسفالت شد، شبکه برق سراسری به منطقه وارد شد، و روستای جدید آبسرد (حسین‌آباد)، در گوشه‌ای از مراتع طوایف سُرخ‌ی در کوهپایه دلو (مجاور موقوفه بدیجان)، با رضایت عشایر سُرخ‌ی، احداث گردید؛ در همان نقطه‌ای که امروزه شرکت احرار فارس، با تصرف بقیه مراتع، حق سُرخیان را سلب و آبسردیان را محصور کرده است. تا آن زمان، به‌رغم گذشت هفده سال از پیروزی انقلاب، جاده‌های منطقه خاکی و منطقه به‌کلی پرت و ناشناخته بود. بعد از این تحول، در سال ۱۳۷۵ مؤسسه فلاحت کار خود را در سیاخ آغاز کرد.

مؤسسه فلاحت، که در آن زمان مسعودی مدیرعامل آن بود، در سال ۱۳۷۵ مراتع و حریم روستاهای طایفه‌نشین قلعه چوبی را به سادگی به چنگ نیاورد. بخش مهمی از این اراضی، مرتع پوشیده از پوشش انبوه گیاهی (بوته و درختچه) و دارای دامدار صاحب نسق، ایل راه عشایر قشقایی، حریم روستاها و مسیر تردد احشام به مراتع دره‌ها و قله‌های کوه سبزه‌پوشان بود. قره‌غانلوه‌ها حدود ۲۰۰ خانوار دارای پروانه چرای رسمی در محدوده فوق بودند و حدود ۴۰۰ خانوار دامدار عرفی. مسعودی، طبق رویه‌اش، محیلانه وارد عمل شد. او ابتدا اعلام کرد که به خانواده‌های شهدا و جانبازان و مستمندان قره‌غانلو زمین مجانی خواهد داد. به این ترتیب، اعضای طایفه را به دو گروه متعارض تقسیم کرد و سپس با حمایت آن گروه که فریب وعده‌ها را خورده بودند تصرف مراتع را آغاز نمود.

زمانی که برای همگان مسجل شد وعده‌ها فریبی بیش نبوده، اعتراضات عمومی شد، خانواده‌های شهدا و جانبازان و آزادگان و مردم فقیر را نیز در بر گرفت، و به شورش محلی انجامید. یگان ویژه نیروی انتظامی به سود «فلاحت» وارد عمل شد. بزرگان و ریش‌سفیدان طایفه را هفده روز زندانی و سپس با دریافت چک‌های سفید امضا و سفته و تعهدهای سخت آزاد کردند. برای مثال، نجاتعلی نامداری، از بزرگان طایفه فوق، را با ۳۰۰ میلیون تومان قرار و پسرش را با دریافت چک سفید امضا آزاد کردند. احمد نامداری، عضو شورای عشایر طایفه قره‌غانلو، نیز با سفته و چک سفید امضا آزاد شد. میزان اعمال نفوذ سیاسی تا بدان حد بود که

۱۱۸. به گفته گلریز خاتمی، بشارتی از مشاهده روستاهای ارتفاعات جنگلی و کوهستانی جیل دلو حیرت کرد و با لهجه شیرین اصفهانی خویش به شوخی خود را «کریستف کلمب» خواند.

قاضی پرونده به صراحت به قره‌غانی‌ها می‌گفت: «من در این پرونده اختیار و استقلال ندارم.» این سرکوب قره‌غانلوها را ساکت نکرد. در سال ۱۳۸۴ زنان قشقایی وارد میدان شدند و به مدت یک ماه جاده سیاخ-کوار را به روی خریداران قطعات «فلاحت» مسدود کردند. در برابر این فشار، «فلاحت» اندکی عقب نشست و تصرف حدود ۳۵۰ هکتار از مراتع حریم روستا را موقتاً رها نمود.

مؤسسه فلاحت در دوران یازده ساله (۱۳۷۵-۱۳۸۶) حضور در سیاخ، به تدریج عملیات خود را گسترش داد و به حریم روستاها نیز وارد شد؛ به نحوی که هم‌اکنون حد شمالی (سمت کوهپایه سبزپوشان) روستاهای قلعه چوبی با سیم خاردار محصور شده. امروزه، نه تنها مراتع انبوه کوهپایه سبزپوشان از میان رفته بلکه راه تردد احشام به دره‌ها و قله‌های کوه نیز مسدود است. آزمندی و حرص برای تصاحب و فروش اراضی حریم روستاها، و تبدیل آن به «پول»، کار را بدان‌جا رسانیده که مردم حتی برای احداث قبرستان یا مسجد و سایر اماکن عمومی فاقد زمین هستند. در تصاویر ماهواره‌ای، مندرج در صفحات بعد، تصرف حریم روستاهای قلعه چوبی و مراتع آن، و انسداد مسیر تردد احشام به کوه سبزپوشان (کوه قبله شیراز) و تفکیک این اراضی به قطعات، نمایان است. این تصاویر ماهواره‌ای متعلق به پنج سال پیش است و هنوز ابعاد امروزین محصور شدن روستاهای قلعه چوبی را نشان نمی‌دهد.

زمانی کوهپایه سبزپوشان مملو از درختان جنگلی و بوته‌های بلند و بسیار انبوه بود در حدی که انسان در درون آن گم می‌شد. امروزه، تمامی این درختان طبیعی و بوته‌ها با لودر نابود شده و به جای آن سیاه درختان و زیتون‌هایی غرس شده، که به‌رغم آبیاری با ده‌ها حلقه چاه آهکی (مختص تأمین آب آشامیدنی)، بسیاری از آن‌ها در حال خشک شدن است. این سیاه درختان، به دلیل عدم رسیدگی علمی، به کانون انواع آفت‌های درختی بدل شده. در طول یک دهه، رشد درختان فلاحت سیاخ بسیار اندک بوده. در تصاویری که در سال ۱۳۸۵ از فاصله ده کیلومتری از فاز یک فلاحت گرفته‌ام، به‌رغم عمر ده ساله درختان، فقدان سرسبزی آن کاملاً نمایان است. باغات ده ساله در دارنگان کاملاً سبز است.